

■ آیت‌الله سیدمر تفضی مستجاب‌الدعوائی (مستجابی)



بازخوانی خدمات علمی و اجتماعی چهره‌ها و خاندان‌های نامدار در سراسر کشور از اولویت‌های صفحه تاریخ به شمار می‌رود؛ هم از این‌روی امروز یکی از نمونه‌های شاخص در این حوزه، مورد توجه قرار گرفته است. اصفهان

از دیرباز شهر علم و هنر بوده است. خاندان‌های علمی فراوانی در این شهر نشسو و نما یافته‌اند که هریک منشأ خدمات دینی و اجتماعی متنوع بوده‌اند. در این میان خاندان «مظاهری» از مکانتی خاص برخوردار است؛ چه اینکه در ادوار گوناگون منشأ از چهره‌های شاخص این تبار، زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری* بود که مردم اصفهان از مناجات‌ها و نیز خدمات وی خاطرات فراوان دارند و بیش از یک سال پیش دعوت حق را لبیک گفت. در مقالی که در پی می‌آید، عالم جلیل و مجاهد حضرت آیت‌الله سیدمر تفضی مستجاب‌الدعوائی (مستجابی) – که خود از مفاخر و نام‌آوران اصفهان است – در باب خدمات دینی و اجتماعی برخی از عالمان خاندان مظاهری سخن گفته است. امید آنکه تاریخ پژوهسان و علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای خود گنجید، قسمت یک روزهای

کلام و گفتار نوشته همه و همه محدود است و گنجایش بی‌نهایت‌ها را ندارد. این احساس من است در مقابل کردار و رفتار و گفتار بیت محترم مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسین مظاهری

کروندی (رحمه‌الله علیهم).

حقیر در سن ۹۵ سالگی هستم. با گذشت خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، ناله‌ها و فریادهای کوبنده و شگفتی‌های این جهان پهناور که آقای‌المؤمنین(ع) درباره آن می‌فرماید: دنیا خانه‌ای است که بلاطراف آن را گرفته است! یحمدالله تاکنون به دعای دوستان زنده مانده‌ام.

نویسنده در سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی بومدم که در دبستان تازه‌تأسیس پدرم مرحوم آقا سید اسدالله

مستجاب‌الدعوائی (روحی فداء)، به نام دبستان صدریه، رفت‌وآمد می‌کرد. در آن زمان جوانی را دیدم مؤذب که کتابی را زیر بغل داشت. گاهی کتاب را می‌گشود و نظاره می‌کرد و سپس برهم می‌گذاشت. پیدا بود از بچه‌های در سخاوت. خوش چهره هم بود و از این نظر بر دیگر محصلان رجحان داشت. خواستم با او مباحثه داشته باشم. پیش رفتم و به او سلام کردم. با کمال رافت مرا پذیرفت و همان زمان به من گفت: «حکام شرعی را تا کجا آموخته‌ای؟» خب بدیهی است که من در مدرسه پدرم و در خاندان علم بزرگ شده بودم و به احکام آشنایی داشتم. تا جایی که به یاد داشتم عرضه داشتم، بی‌نهایت تعجب کرد و مرا استود و تشویق کرد و به من گفت: «هر موقع می‌خواهی، در مواقع و ساعات آزاد، بیا با هم درس بخوانیم!»

لذت آن دقایق و دیدار با او، مرا به وجد می‌آورد و شیرینی آن لحظه‌ها، هنوز در روح من متجلی است. آن کودک، در مرحوم مغفور جنت مکنان، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا رضا مظاهری (طاب ثراه) بود. در آن دوره، او را آقا ضا صا می‌دند و رفته‌رفته رفتار و کردار و گفتارش به شکلی بود که همکلاساش به او احترام خاص داشتند.

از شمار دو چشم یک تن کم

و ز شمار خرد هزاران بیش

هر چه ما بیشتر با هم بودیم، در درس و اخلاق و معلومات و حسن خلق و ادب پیشرفت می‌کردیم. نه فقط من از حاج آقا آقا بهره می‌بردم که گویگاه من هم مطالعاتی داشتم که از پدر یاد گرفته بودم که ایشان بسیار خوشحال می‌شد و می‌پسندیدو می‌گفت: «پنهان گنج‌هایی است که در دوران زندگی هر یک، به ما کمک‌های شایانی خواهد کرد.» روزها و شب‌ها می‌گذشت. دقایق آن ساعات ملوکوتی را فراموش نمی‌کنم. لذت آن ساعات را هنوز در این سنین مضمه می‌کنم. کم‌کم مرحوم حاج آقا رضا سخزوری ماهر شد و در جلسات روضه، افادات شایانی به شنوندگان می‌داد و خوب یاد ام است که در یک منبر یک ساعت و نیمه، از ابتدا تا انتهای منبر، درباره حضرت زهرا(س) داد سخن می‌داد و در عظمت بانو نکاتی پس یارزش مطرح می‌کرد و شنونده را از بحر به دریایی ژرف رهنمون می‌نمود. کم‌کم شب‌های جمعه در منزل من، حاج آقا رضا مظاهری دعای کمیل می‌خواند و جمعی را به فیض می‌رساند، چون شاگرد پدر بود. از آن پس گاهی که من به مدرسه ایران، پشت مسجد سید اصفهان می‌رفتم، روزها در مسیر راهم به منزل پدر حاج آقا رضا یعنی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمدحسین مظاهری (طاب ثراه) پدر آقایان حاج آقا رضا و حاج آقامهدی و دیگر برادران و پدربزرگ مرحوم حاج آقا محسن مظاهری است.

با دیدن آن مرد روحانی و پاک‌سیرت خوشحال می‌شدم و سعی می‌کردم کم‌کم و رفته رفته به آن شخصیت نزدیک‌تر شوم تا آنکه روزی مرا شناخت که من فرزند آقا سید اسدالله مستجاب‌الدعوائی هستم، لذا به من بسیار محبت و عطفقت پدرا نه می‌کرد و هر موقع خدمت می‌رسیدم، مرا تشویق به ادب و خواندن درس و کرامات انسانی می‌نمود. روزها گذشت و من خود را به قم تبعید کردم و دیگر این آقایان را ندیدم تا زمانی که به اصفهان



گذری بر خدمات دینی و اجتماعی عالمان خاندان مظاهری در شهر اصفهان

خاطره‌هایی از چند نسل یک تبار علمی ودینی

هرگز نمی‌ز حال تو غافل نبوده‌ایم

یا گفت‌ایم نام تو را یا شنیده‌ایم

مرحوم حاج آقا محسن در اوایل جوانی گاهی برای تبلیغ علامه بر سر می‌گذارذ و به محل‌های دوردست – که احتیاج به گوینده داشتند – می‌رفت و مردم آن سامان را ارشاد می‌نمود. مشوق او مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمدعلی میرمحمدصادقی معروف به آیت‌الله صادقی(طاب ثراه) بود که به نهمبرده همچون به دیگر طلاب، کمک‌های معنوی می‌کرد و امیدوار بود در این حرکت الهی، حاج آقا محسن از بهترین‌های روحانیت شود، زیرا از هوش و استعداد و پشتکار ایشان مطمئن بود. تا آنکه روزی مرحوم حاج آقا محسن برای زیارت حضرت رضاع) با عداپی رفته بود. ششی خواب دید مرد سفیدپوشی که چهره‌اش چون خورشید می‌درخشد، به او گفت: جز درس که می‌خوانی، حرفه‌ای را بسرای خود انتخاب کن! لذا در بازگشت از مشهد به فکر فرو رفته و با یکی دو نفر از افراد بازار مشورت کرد و رفته رفته به کسب روی آورد، و بحدالله در آن قسمت موفق بود و پیشرفت قابل توجهی کرد که همگان آگاهند. از فتوت و جوانمردی و سنجایی اخلاقی و خدمت مخلصانه به پدر و مادر محترم در ریغ نداشت و تا مرز عشق به دستورات پدر و مادر مهربان و عزیزش کوشا بود و بعضی اوقات که به واسطه گرفتاری‌های کسب و کار در این فتره توقفی بیش می‌آمد، با تذکر جناب آقای دایانی یا حقیق به او، انجام وظیفه می‌کرد و به ما ثابت می‌نمود که بحدالله همه چیز به جای خود انجام شده و می‌شود. حقیر به فرزندان برومند و عزیزش عرض می‌کنم: پدر شما نمرده است، آواره خوبی‌های او که می‌توانست می‌کرد و در مساختن حسینیه‌ها و مساجد و غیره از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمی‌کرد. او برای مردم بینوا پدری دلسوز بود و پس از فوت پسر جانش – که شهری را داغدار و سوگوار کرد – بال و پرش سوخت و دیگر خلوت‌نشین شد!

از شمار دو چشم یک تن کم
 و ز شمار خرد هزاران بیش
 فقید سعید مرحوم حاج آقا محسن مظاهری، نه فقط پدر و مادرش را خانه‌نشین کرد، بلکه شهری را با نبودن خودش غریب کرد و قطعا دوستانش تا آخرین نفس، صفات انسانی و خالصانه او را از یاد نخواهند برد و تا لحظه‌های آخرین عمر، از یاد آن مرد توانا غافل نخواهند بود و حتما او را در بهشت در آغوش خواهند کشید.

“

در عمر خود کسی را به پایه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقامهدی مظاهری ندیده بودم.

مطالب را درست ادا می‌کرد و در دایر کردن دارالقرآن و مراکز درمانی و دارالاینتام و خیریه‌ها و دیگر محافل مذهبی، کوشش داشت و تا انجامش هر نوع فعالیتی که می‌توانست می‌کرد و در ساختن حسینیه‌ها و مساجد و غیره از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمی‌کرد. او برای مردم بینوا پدری دلسوز بود

غفران و رحمت الهی بر این دودمان محبوب و پر تلاش و با اخلاص. از عموی او حاج آقارضا گرفته تا پدرش حاج شیخ مهدی و مادر و دیگر کسانش. و تا آثار و خدمات این خاندان محترم در اصفهان و دیگر بلاد هست، آنها زنده هستند و مشمول غفو و رحمت خداوندی قرار خواهند گرفت. خداوند به اولاد روحانی این خاندان حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسین مظاهری(زید غزه) که در مراحل مذهبی ممتاز هستند، صبر و شکیبایی و استقامت دهد تا نامبرده به کمک ار که بتوانند این کشتی را به ساحل نجات هدایت کنند.

امید است به همت و استقامت فرزندان برومند این خاندان، آقایانی که حقیر به آنها احترام دارم، به هر یک چون فرزندانم دعا می‌کنم که از هر حیث سلامت و قدرتمند و برقرار باشند. چون خود بسیار کوچکم این یاشنامه را به حضور محترم جناب آقای آقا عماد مظاهری فرزند مرحوم عزیز دلمان حاج آقا محسن مظاهری – که مدایش او را مورد رحمتش قرار دهد – تقدیم می‌کنم و دست دیگر برادرانش را با صمیم قلب می‌بوسم و همگی را به خدای بزرگ می‌سپارم.

ندارم دردی اما اینچنان خسته‌ام هستی

که گر دست اجل مویی از من خواهد سر افشانم

از ذره کمتر

السید مر تفضی مستجاب‌الدعوائی (مستجابی)

***در پی رحلت زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری، پیام تسلیتی از سوی رهبر معظم انقلاب صادر شد. در این پیام به پاره‌ای خدمات اجتماعی آن بزرگ اشارت رفته است:**

بسمه تعالی
در گذشت روحانی خدمتگزار و واعظ شهیر حجت‌الاسلام آقای حاج مهدی مظاهری رحمت‌الله علیه را به همه دوستداران و ارادتمندان و تربیت‌شدگان منابر مؤثر آن مرحوم و بالاخص به خاندان مکرم و باز ماندگان محترم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. زمزمه معنوی دعاو نیاش آن مرحوم در شب‌های جمعه و سحرهای ماه مبارک رمضان طی سال‌های طولانی در شمار یادگارهای معنوی شهر عزیز اصفهان است و امید است همواره برقرار باشد.

سید علی خامنه‌ای
 ۵۴۲هـ/ماه ۱۳۹۶

طوفان نوح خسته شد از اشک چشم من

با آنکه در رخش به مدارا اگر بیستم



دعای ابوحمزه ثمالی در ماه مبارک رمضان

اصفهان: حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسین مظاهری و

پیش‌خواران

■ محمد رضا کائینی



عالم دانشور زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، از پیشگامان تبیین اندیشه وحدت‌گرا در میان مذاهب اسلامی بود که

سال‌ها ریاست مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی را بر عهده داشت. وی در طول این مدت با انجام گفت‌وشنودهایی تاریخی و علمی، در تبلیغ این اندیشه تلاشی ارجمند انجام داد. اثری که در معرفی آن سخن می‌رود، مجموعه‌ای از گفت‌وشنودهای آن فرزانه فقید است که در کتابی به نام «پیام وحدت» از سوی آن مجمع منتشر شده است. در دیپاچه ناشر در تبیین

محتوای این اثر می‌خوانیم:

«یکی از زیباترین و والاترین واژه‌ها، واژه وحدت و برادری است. برادری و وحدتی

که پیامبر رحمت در استعمار رسالت دیگر انبیای عظام برای جوامع بشری به ار مغان

آورد. پیامبر اکرم(ص) مهاجرین و انصار را به میثاق اخوت و عقد برادری فراخواند. و

بدینسان گلبانگ وحدت برای نخستین بار در فضای مدینه طنین افکند و دل و جان

قرون و اعصار را نوازش داد و عطر دل‌انگیز آن مسلمانان را مدهوش خویش ساخت. سنگ

زیرین بنای اتحاد و همبستگی اسلامی نهاده شد و ارزش‌های اسلامی و برادری

و اتحاد، جایگزین ارزش‌های پوچ و خیالی جاهلی گشت. پیامبر اسلام(ص) با آیات

شریفه و اعتصوا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا و ان هذه امتکم امة واحدة و انکم قاعبدون،

جوامع اسلامی را به اعتصام بحبل متین الهی و برهیز از تفرقه و تشکیل امت واحد در سایه



مشهد، آیت‌الله‌واعظ‌زاده خراسانی در کنار آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد‌های میلانی و استاد محمدتقی شریعتی

اسلامی ایران، و چند مصاحبه هم توسط جراید خارج کشور و نیز به وسیله روزنامه کیهان عربی و تهران تایمز به زبان‌های عربی و انگلیسی انتشار یافته که به همت و پشتکار فاضل و دانشمند ارجمند جناب آقای سید جلال میرآقایی مدیر کل روابط عمومی و مسئول دفتر دبیر کل آن، ترجمه گردیده است. من از ایشان که علاوه بر ترجمه چند مصاحبه، ویراستاری همه کتاب را به عهده داشته‌اند و همچنین از فاضل گرمای و بر تلاش جناب آقای محمدسعید معزالدین سرپرست محترم معاونت تبلیغات و انتشارات مجمع، که این اثر و دیگر آثار (تقریبی) اینجانب را هم از مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات، با کوشش و دلسوزی فراوان، و به عنوان بخشی از انتشارات هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در سال جاری(۱۳۷۳) به چاپ رسانیده‌اند و هم از دیگر دست‌اندر کاران بخش طبع و نشر این کنفرانس، جداسپاسگزاری می‌نمایم و مزید توفیقات همه این عزیزان را در نشر اندیشه وحدت و تقریب میان مسلمین، از خداوند منآن مسألت دارم.

همانطور که از محتوای مصاحبه‌ها پیداست، محور گفت‌وگوها عمده مسئله وحدت اسلامی، تقریب مذاهب، تفاوت بین این دو عنوان، سابقه تاریخی این فکر است و نیز، تاریخچه دارالکتبیه بین‌المذاهب‌الاسلامی قاهره و بانیان و همکاران آن مؤسسه اسلامی پرپرکت، و بالاخره آ آینده آن، حدود اختلاف و اشتراک مذاهب اسلامی، در حال حاضر با یکدیگر، دیدگاه‌های رهبران و طرفداران وحدت اسلامی در قرن اخیر، از جمله نقطه‌نظرهای حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و خلف صدق وی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد این مسئله حیاتی و موضوعاتی از این قبیل، در مصاحبه‌ها مطرح گردیده و به آنها پاسخ مناسب داده شده است.»